

بررسی تعاملات، سبکهای حل تعارض و کیفیت زناشویی؛

تحلیل روند مبتنی بر سن و طول مدت ازدواج

سیده فاطمه موسوی^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۱۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۴/۱۵

چکیده

این مطالعه با هدف تحلیل روند تغییرات در تعاملات، سبکهای حل تعارض و کیفیت زناشویی بر اساس سن ازدواج و طول مدت ازدواج زنان و مردان متأهل شهر قزوین صورت گرفته است. روش پژوهش از نوع توصیفی و تحلیل روند است. روش نمونه‌گیری، داوطلبانه است و ۳۰۲ نفر (۱۵۱ زن و ۱۵۱ مرد)، از پنج نقطه شهر قزوین انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات، پرسشنامه سبکهای حل تعارض کردک (CRSI)، مقیاس کیفیت زناشویی فرم بازنگری شده (RDAS) و مقیاس تعامل رابطه انجمن تگزاس (TTRIS) مورد استفاده قرار گرفت. نتایج تحلیل روند نشان داد که روند خطی معناداری بین زنان و مردان متأهل از حیث طول مدت ازدواج در متغیرهای ابعاد تعامل (بجز بعد نظریات سازنده ایگو در گروه ۵-۱ سال)، سبکهای حل تعارض و کیفیت زناشویی مشاهده نشد. نتایج هم‌چنین نشان داد روند خطی معناداری بین گروه با سن ازدواج ۱۹-۱۲ سال با دیگر گروه‌های ازدواج‌کرده بین سنین ۳۰-۲۰ و ۴۰-۳۰ سال در عوامل سبکهای حل تعارض و روند غیرخطی معناداری در ابعاد تعاملات زناشویی مشاهده می‌شود. شیوه تعاملات و حل تعارضات بین زوجین به عنوان عوامل پیش‌بین و مؤثر بر کیفیت زناشویی در گذر زمان دستخوش تغییرات و تحولات می‌شود و افرادی که در سنین مختلف به ازدواج اقدام می‌کنند از چنین تحولات و تغییراتی در متغیرهای مربوط به کیفیت زناشویی برکنار نیستند. توجه به چنین تحولاتی می‌تواند آمادگی لازم را برای رویارویی با وضعیت جدید در زوجین فراهم سازد. **کلید واژه‌ها:** تعاملات زناشویی، حل تعارض، کیفیت زناشویی، روند سن ازدواج.

مقدمه

تعارض و اختلاف، قلب روابط عاشقانه است (ها^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). وجود لطیفه‌ای چون «علت عمده طلاقها، ازدواج است»، ناظر بر پیوند تعارض و صمیمیت است (السون و دی‌فرین و اسکوگراند^۲، ۲۰۱۰). بنابراین، تعارض در روابط صمیمی، طبیعی است و ازدواج از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین، زمینه‌های بیشمار تعارض را فراهم می‌کند (ویکس و تریث^۳، ۲۰۰۱). کامینگز^۴ (۱۹۹۸) تعارضات زناشویی را پیوستاری از وجود اختلاف در پیوستاری از تعاملات بین فردی می‌داند که شامل رفتارهایی است که به ارتباطات خصومت‌آمیز، تنش‌زا، مخالفت‌آمیز و تضاد منجر می‌شود (فروساکیس^۵، ۲۰۱۰؛ بوهرلر و همکاران^۶، ۱۹۹۸). تعیین ماهیت طبیعی یا معمولی بودن تعارضات بین همسران دشوار است؛ اگر چه برآوردهایی در این زمینه صورت گرفته است (مک‌گوناگل، کسلر، و شیلینگ^۷، ۱۹۹۲). برخی از زوجین ساختاری از تعاملات را شکل می‌دهند که غالباً طبق آن به بحث و مشاجره می‌پردازند. برخی دیگر کمتر اختلافات را تجربه می‌کنند و معمولاً تنها در مورد مسائل بااهمیت به اختلاف می‌رسند. با این حال، الگوهای رشد و نمو ثابت است؛ برای مثال، زوجین مسن‌تر، که از مدت ازدواج آنها زمان زیادی گذشته است، اختلافات آشکار کمتری در مقایسه با زوجین جوان تازه ازدواج کرده دارند (زیتلو و سیلارس^۸، ۱۹۸۸). تعارضات زناشویی به مثابه حاصلی از احساسات و تعاملات رفتاری منفی در همسران، بسته به موضوع تعارضات، شدت و استمرار تعارضات و شیوه‌های حل تعارضات در صورت پایداری، می‌تواند حاوی پیامد جدی فیزیولوژیکی و روانشناختی باشد (گاتمن^۹، ۱۹۹۴) و با مجموعه‌ای از نشانه‌های افسردگی، اختلالات خوردن، وابستگی به الکل و... همراه می‌شود و پیامد خانوادگی مهمی چون ضعف والدگری، ضعف در سازگاری کودکان، افزایش تعارضات والد - فرزندی و تعارضات بین فرزندان با یکدیگر در پی دارد (فینچام^{۱۰}، ۲۰۰۳)، فروپاشی روابط زوجین شایعترین جلوه تعارض شدید است (گاتمن، ۱۹۹۴) و احتمال وقوع طلاق را در همسران

-
- 1 - Ha, T.
 - 2 - Olson, D., DeFrain, J., & Skogrand, L.
 - 3 - Weeks., G.R. & Treat, S.R
 - 4 - Cummings
 - 5 - Frousakis, N. N.
 - 6 - Buehler et al.
 - 7 - McGonagle, Kessler, & Schilling
 - 8 - Zietlow, P. H., & Sillars, A. L.
 - 9 - Gottman, J. M.
 - 10 - Fincham

بویژه در سالهای آغازین پس از ازدواج افزایش می‌دهد (کوک و جونز^۱، ۲۰۰۲) آمار اداره ثبت احوال استان قزوین نیز گویای فراوانی طلاق در زنان و مردانی است که بین چهار تا ده سال از ازدواج مشترک آنها گذشته است.

از آنجا که الگوهای تعارض، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای رضایت زناشویی به‌شمار می‌رود، نقش مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت نهایی ازدواج ایفا می‌کند (اسنیواید و گرهاد^۲، ۲۰۰۲). کیفیت مدیریت موقعیت‌های تعارض‌آمیز در چند دسته عمده شامل راهبردهای اجتنابی^۳ (رفتارهای (رفتارهای پرهیز/کناره‌گیری در برابر تقاضا/توقع)، راهبردهای آزارنده (در قالب رفتارهای رقابتی و اغلب تهاجمی) و راهبردهای یکپارچه^۴/سازنده یا سبک موثق^۵ (در قالب رفتارهای مشارکتی و معطوف به حل مسئله) (نولر و فیتز پاتریک، ۱۹۹۳؛ گاتمن، ۱۹۹۴) و سبک انطباقی^۶ (نداشتن جرأت جرأت همراه با رفتار مشارکتی و کنارگذاشتن نفع شخصی) (ولیموت و هاگر^۷، ۲۰۰۷) می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی را تعیین کند (ولیموت و هوکر، ۲۰۰۷؛ حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۸؛ کشاورز افشار و همکاران، ۱۳۹۰؛ فتحی‌اقدام و همکاران، ۱۳۹۰؛ رسولی و فلاح، ۱۳۹۲). شیوه حل تعارضات زناشویی کلید رضایت زناشویی است و تغییر در شیوه‌های حل تعارضات بین زوجین موجب تغییر در برایندهای زناشویی زوجین می‌شود. نتایج تحقیقات، نیز گویای اهمیت شیوه‌های حل اختلافات زناشویی به شیوه مثبت، سازنده و معطوف به حل مسئله به عنوان رفتارهای حافظ و نگهدارنده پیوند زناشویی در افزایش رضایت، انسجام و سازگاری بین زوجین است و نقش زیانبار رفتارهای کنترل‌کننده، رقابت‌آمیز، تهاجمی و سازش منفعلانه را در کاستن از کیفیت زناشویی و کاهش قوام و تداوم زندگی زناشویی گزارش کرده‌اند.

کیفیت زناشویی^۸ و سازه‌های مشابه آن چون سازگاری و رضایت زناشویی، موضوع مطالعه بسیاری از پژوهشگران حوزه خانواده است (هندریک، دایک و هندریک^۹، ۱۹۹۸). فینچام و بیچ^{۱۰} بیچ^{۱۰} (۲۰۰۷) کیفیت زناشویی را لزوماً مخالف اختلاف زناشویی ندانسته، آن را مفهومی مشکل

-
- 1 - Cook, J. L. & Jones, R. M.
 - 2 - Schneewind, K. A., & Gerhard, A. K.
 - 3 - Avoidant style
 - 4 - Integrating style
 - 5 - Validating style
 - 6 - Accommodating style
 - 7 - Wilmot, W. W., & Hocker, J. L.
 - 8 - Marital quality
 - 9 - Hendrick, S. S., Dicke, A., & Hendrick, C.
 - 10 - Fincham & Beach

از ابعاد مثبت (شامل شادکامی و تعاملات زناشویی مثبت) و ابعاد منفی (شامل تعارضات، نگرش - های منفی) می‌دانند که با هم در روابط بین زوجین وجود دارد؛ لذا کیفیت زناشویی، مفهومی چند بعدی و شامل ابعاد گوناگون ارتباط زوجین چون سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد است (تروکسل^۱، ۲۰۰۶، به نقل از یوسفی، ۱۳۹۰) و از عوامل ازدواج موفق به شمار می‌رود. اهمیت اجتماعی مطالعات در زمینه چرابی و چگونگی تغییرات کیفیت زناشویی امری است که مجموعه‌ای پیچیده از عوامل در آن دخیل است (برادبری^۲، فینچام و بیچ، ۲۰۰۰). طبق نظر فینچام و برادبری (۱۹۸۷) کیفیت زناشویی تابع چگونگی تعامل زن و شوهر و شیوه‌های مقابله آنها در موقعیت‌های تنش‌زای زندگی است. برخی پژوهشها بر نقص مهارت‌های ارتباطی به عنوان یکی از عوامل موجد مشکلات زناشویی متمرکز شده است (گاتمن، ۱۹۹۴). این مطالعات بیان می‌کند که زوجین دارای تعارضات زناشویی از مهارت‌های ارتباطی خود به عنوان سلاحی برای فرستادن پیام‌های منفی به شریک خود بهره می‌گیرند (هاید و دلماتور^۳، ۲۰۰۸؛ برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۸۹). برخی پژوهشها نشان داد که نگرشها و رفتارهای منفی در مقایسه با رفتارها و گرایشهای مثبت بر کیفیت زناشویی تأثیر زیادی دارد و به موازات آن احتمال رفتارهای منفی دوجانبه را افزایش می‌دهد (برتونی و بودنمن^۴، ۲۰۱۵). پژوهشها نشان می‌دهد تعاملات سازنده و مثبت زناشویی با رضایت زناشویی ارتباط مسقیمی دارد (مک دانیل، لویز و هولمز^۵، ۲۰۱۰). نولر و فیتزپاتریک^۶ (۱۹۹۰) دریافتند که زوجین با رضایت زناشویی زیاد با ویژگیهایی چون درک و مفاهمه یکدیگر، عواطف مثبت، تفسیر صحیح از رفتارهای ارتباطی و مثبت‌گرایی شناخته می‌شوند. جای تعجب نیست که چنین زوجینی در ارتباط‌های سازنده بیشتری درگیر می‌شوند و زمان بیشتری را برای ارتباط با یکدیگر سپری می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تواناییهای ارتباطی بر کیفیت زناشویی اثر می‌گذارد و گاهی از آن تأثیر می‌پذیرد (برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۸۹)؛ لذا الگوهای تعاملی زوجین، کیفیت رابطه آنها را در طول زمان تعیین، (مکارول و هلمن، ۲۰۰۲) و آمارها نیز تأیید می‌کند که از بین عوامل اختلافات زوجین، مشکلات تعاملی و ارتباطی تقریباً ۴۰ درصد تمام مراجعات به درمانگاه‌های بهداشت روانی را تشکیل می‌دهد (الیری، هیمن و جانگسما،

1 - Troxel, W.

2 - Bradbury

3 - Hyde, J. S. & DeLamater, J. D.

4 - Bertoni, A., & Bodenmann, G.

5 - McDaniel, B., Lopez, S., & Holmes, E.

6 - Noller, P., & Fitzpatrick, M. A.

فرایندهای تعامل زناشویی، رفتارهایی است که هم در بافت رابطه تحقق می‌یابد و هم بر پویایی‌هایی بین فردی اثر می‌گذارد که در رابطه به تکامل می‌رسد و رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طریق تعامل است که ازدواج ساخته می‌شود. چگونگی ساخته شدن و کیفیت رضایت زوجین از این ساختار تحت تأثیر عوامل مختلفی چون ویژگی‌های جو زناشویی (عواطف، انسجام، سازش‌پذیری، توان مقابله و جهت‌گیری معنوی) و عوامل ساختاری (نقشها، توزیع قدرت و ماهیت رابطه) است (بالارد - ریچ و ویگل^۱، ۱۹۹۹). تعاملات زناشویی در برخی رویکردها به دلیل چندین فرایند شامل تعارض مهارشده^۲، تصمیم‌گیری مشارکتی، کیفیت ارتباط، صمیمیت جنسی و روانشناختی و ارج نهادن به اعتماد، احترام، درک همدلانه و مساوات در رابطه فیما بین تعریف می‌شود؛ در چنین روابطی دو دسته رفتارهای فعال، آگاهانه و راهبردی چون اطمینان^۳، مثبت‌گرایی^۴، گشودگی^۵ و نیز رفتارهای معمول حفظ و نگهداری شامل وظایف به اشتراک گذاشته شده^۶، فعالیت‌های مشترک^۷ و استفاده از شبکه‌های اجتماعی دخالت دارد (دیتون^۸ و استافورد، ۱۹۹۳). اولسون و همکاران (۲۰۱۰) سه مفهوم کلیدی تعاملات زناشویی را در سه سازه انسجام^۹ (احساس نزدیکی هیجانی با فرد دیگر)، انعطاف‌پذیری^{۱۰} (مقدار تغییر رخ داده در رهبری، روابط نقش و قواعد رابطه) و ارتباطات^{۱۱} (شفافیت و صراحت، مهارت‌های صحبت کردن، خودافشاگری و مهارت‌های شنیداری) معرفی، و آنها را در درک پویایی روابط مهم قلمداد کرده‌اند. طبق نظر راینسون (۱۹۹۱؛ به نقل از شاموی^{۱۲}، ۱۹۹۸) انواع توالی تعاملی در روابط زناشویی عبارت است از: عوامل بازشناسی سودمند^{۱۳} (ستایش و قدردانی همسران از هم به روشهای کلامی و غیر کلامی)، نظریات سازنده ایگو^{۱۴} (تمجید و ستودن همسر برای کارهایی که

1 - Ballard-Reisch, D. S., & Weigel, D. J.

2 - Containment conflict

3 - Assurances

4 - Positivity

5 - Openness

6 - Sharing tasks

7 - Joint activities

8 - Dainton

9 - Cohesion

10 - Flexibility

11 - Communication

12 - Shumway, S. T.

13 - Salutary recognition

14 - Ego-building comments

انجام می‌دهد و برای چیزی که هست)، توسعه خاطرات مشترک^۱ (به اشتراک گذاری منظم خاطرات گذشته)، فعالیت‌های هیجان‌انگیز^۲ (درگیری مشترک در فعالیت‌های لذت‌بخش)، بازخورد^۳ (نظارت و ایجاد تغییر در الگوهای تعامل و ارتباط در ازدواج) و گفتگوهای کوتاه^۴ (صرف زمان برای گفتگو با همسر در مورد موضوعات کوچک). مطالعات یاد شده نشان می‌دهد که برخی الگوهای تعامل زناشویی، که برآیند آن عدم توافق و تبادل خشم، داد و ستد رفتارهای کلامی و غیر کلامی منفی، عدم همکاری و مشارکت، کناره‌گیری عاطفی و رفتاری و بی‌اعتنایی نسبت به کنشهای همسر، واکنشهای هیجانی سرد و منفی به عواطف دیگری است، در طول زمان برای ازدواج آسیب‌رسان است و به‌طور کلی پیش‌بینی‌کننده نارضایتی از ازدواج و تهدیدکننده ثبات زناشویی در آینده رابطه زناشویی همسران به‌شمار می‌رود.

یکی از مهمترین ویژگی‌های روابط زناشویی، تغییرات آن طی زمان است. این تغییرات با وقایع مهم زندگی زناشویی همراه است. برخی مطالعات مقطعی در مورد زوجین با طول مدت ازدواج‌های متفاوت، نشان می‌دهد که سطوح بالای رضایت زناشویی در آغاز ازدواج و سالهای پایانی ازدواج مشهود است. برخی دیگر از مطالعات نشان داده است که کیفیت زناشویی با افزایش سن دچار تغییر می‌شود؛ بنابراین ازدواج‌های با طول مدت زیاد از لحاظ کیفی با ازدواج‌های طول مدت کم متفاوت است. انگیزه‌هایی که به پایه‌ریزی روابط صمیمی در آغاز بزرگسالی منجر می‌شود با انگیزه‌هایی که موجب حفظ رابطه زناشویی در سالهای میانی و سالخوردگی می‌شود، متفاوت است و علت موفقیت یا عدم موفقیت زوجین در استمرار رابطه زناشویی بیشتر از هر عاملی به تعاملات زناشویی و چگونگی مدیریت تعارضات زناشویی در زوجین ارتباط پیدا می‌کند (اشمیت، کلیگل و شاپیرو^۵، ۲۰۰۷). در رابطه با سن نیز ازدواجها در اواسط و اواخر بزرگسالی با چالشهای تحولی رو به رو است. همسران با هویت سازگار یافته خود می‌توانند الگوهای تعاملی جدیدی را گسترش دهند (لاچمن^۶، ۲۰۰۴) و صمیمیت عاطفی را در روابط زناشویی سالهای پایانی ازدواج افزایش دهند. این امر به نوبه خود به رفتارهای تعاملی بیشتر در همسران با طول مدت

-
- 1 - Expanding shared memories
 - 2 - Exciting activities
 - 3 - Feedback
 - 4 - Small-talk
 - 5 - Schmitt, M., Kliegel, M., & Shapiro, A.
 - 6 - Lachman

ازدواج بیشتر منجر می‌شود (کریستنسن^۱، ۱۹۹۲). وایت، بوث و ادواردز^۲ (۱۹۸۶) طی مطالعه مقطعی دریافتند که زوجین در مراحل پایانی زندگی زناشویی، شادکامی، رضایت و سازگاری زناشویی بیشتری را نسبت به زوجین در اواسط زندگی زناشویی ابراز می‌کنند. در تأیید این یافته‌ها برخی پژوهشها نشان داد که زوجین با طول مدت ازدواج بیشتر روابط زناشویی را رضایت‌بخشتر از پیش ارزیابی می‌کنند (زیتلو و سیلارس، ۱۹۸۸) در حالی که برخی دیگر از مطالعات (گیلفورد^۳، ۱۹۸۶؛ مظاهری و همکاران، ۱۳۸۰)، خلاف این یافته را گزارش کردند، دریافتند زوجین با طول مدت ازدواج بیشتر، ابرازگری عاطفی و خودبیانگری کمتری نسبت به زوجین با طول مدت ازدواجهای کمتر نشان می‌دهند (زیتلو و سیلارس، ۱۹۸۸). مطالعات دیگر نشان می‌دهد که بسیاری از زوجین نسل جدید، زمان بیشتری صرف گفتگوهای مربوط به وقایع روزانه می‌کنند و در خلال این گفتگوها از وقایع، افکار و عواطفی صحبت می‌کنند که طی روز، هر یک جداگانه تجربه کرده‌اند (ونگلیستی و بانسکی^۴، ۱۹۹۳). در زمینه تغییرات الگوهای حل تعارض در گذر زمان، فینچام و بیچ (۱۹۹۹) تعارضات زناشویی را در زوجین تازه ازدواج کرده و زوجهایی با قوت رابطه زناشویی در گستره‌ای از رفتارهای فیزیکی و کلامی تا رفتارها و صفات شخصی گزارش کرده‌اند. نولر، فینی، بونل و کالان^۵ (۱۹۹۴) دریافتند که الگوهای تعارضات طی دو سال اول پس از ازدواج ازدواج ثابت است؛ اما همسران رضایت کمی از زندگی زناشویی نشان دادند و زندگی آنها ثبات کمتری دارد. طی مطالعات طولی مشاهده شد که برای تقریباً ۴۰ تا ۷۰ درصد از همسران افت قابل توجهی در کیفیت زناشویی در همان سال اول پس از تولد اولین فرزند، تعارضات زناشویی در زمینه نقش کارهای منزل و مراقبت از فرزند، کاهش گفت‌وگوهای جنسی و زناشویی رخ می‌دهد (گاتمن و نوتاریوس^۶، ۲۰۰۰). مطالعه گریف و دی‌برونه^۷ (۲۰۰۰) نشان داد بین راهبردهای حل تعارض اجتنابی زوجین آفریقای جنوبی، که ده سال از ازدواج آنها گذشته بود با سطوح پایین رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. الدرینگ و کریستنسن^۸ (۲۰۰۲) نشان دادند که الگوهای اجتنابی شامل رفتارهای کناره‌گیری در برابر تقاضا/توقع در زوجین تازه ازدواج کرده،

-
- 1 - Carstensen
 - 2 - White, L., Booth, A., & Edwards, J.
 - 3 - Gilford, R.
 - 4 - Vangelisti and Banski
 - 5 - Noller, P., Feeney, J.A, Bonnell, D, and Callan, V. J.
 - 6 - Gottman, J. M., & Notarius, C. I.
 - 7 - Greeff, A. P., & de Bruyne, T.
 - 8 - Eldridge, K. A., & Christensen, A.

نامزد و زوجینی که مدتی از ازدواج آنها گذشته است با رضایت زناشویی کم رابطه دارد. در ارتباطات معطوف به حل مسئله، زوجین مسن از عبارات ارزشیابانه و مخالفت‌های کمتری نسبت به زوجین جوان استفاده می‌کردند. به علاوه، این زوجین ظرفیت بیشتری برای توجه به تعارضات به شیوه مثبت دارند؛ به عبارتی با افزایش طول مدت ازدواج، فراوانی اختلافات زناشویی کمتر می‌شود و راهبردهای مثبت حل تعارض افزایش می‌یابد و شاید این امر، مرهون سعی و خطا در گذر زمان و یا تأثیر تغییرات سنی بر رفتارهای زوجین باشد (سیمانسکی^۱، ۱۹۹۶). این مطالعات نتایج متفاوت و گاه ضد و نقیضی در مورد تغییرات زمانی در تعاملات زناشویی، شیوه‌های حل اختلافات زناشویی و برایندهای زناشویی گزارش کرده است؛ برخی به کیفیت زناشویی مثبت در ابتدای ازدواج و سالهای پایانی ازدواج اشاره کرده، و برخی زوجین تازه ازدواج کرده را فاقد شیوه‌های سازنده و مثبت حل تعارض و تعامل همسری می‌دانند و برخی دیگر نیز به وابستگی فرهنگی سازه‌های زناشویی اشاره نموده‌اند. نتایج مطالعات موسوی (۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴) در شهر قزوین به بستگی فرهنگی سازه‌های عملکردهای خانواده چون همراهی و آمیزش عاطفی، صمیمیت، سازگاری و ثبات زناشویی و عدم تفاوت آن در گروه‌های تازه ازدواج کرده و زوجین میانسال اشاره نموده است. با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش درصدد است تا با هدف بررسی تغییرات صورت گرفته در متغیرهای ابعاد تعاملات، سبک‌های حل تعارض و کیفیت زناشویی در زنان و مردان متأهل شهر قزوین به این پرسش پاسخ دهد که روند تغییرات در متغیرهای یادشده در گذر زمان از چه الگویی برخوردار است؟

روش پژوهش

روش پژوهش از حیث زمان، عرضی - مقطعی^۲، و از حیث کیفیت اجرا توصیفی و پس‌رویدادی (علی - مقایسه‌ای) است. نمونه پژوهش شامل ۳۰۲ نفر از زنان و مردان متأهل (۱۵۱ زن و ۱۵۱ مرد) شهر قزوین بودند که به شیوه داوطلبانه از پنج نقطه شهر شامل جنوب، غرب، شرق، شمال و مرکز با دامنه طول مدت ازدواج ۲۰-۱ و میانگین ۹/۶۸ و انحراف استاندارد ۵/۶۶ و دامنه سن ازدواج ۱۳-۳۷ با میانگین ۲۴/۵۴ و انحراف استاندارد ۴/۶۵ از طریق مراجعه به منزل، توسط ده پرسشگر انتخاب شدند. ترکیب دو جنس بر اساس طول مدت ازدواج در جدول ۱ آمده

1 - Simansk, J.W.
2 - Cross-sectional

است:

جدول ۱: ترکیب دو جنس بر اساس طول مدت ازدواج

طول مدت ازدواج		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
جنسیت	زن	۵/۳	۶/۶۲	۵/۹۶	۵/۹۶	۷/۹۵	۵/۹۶	۷/۲۸	۷/۲۸	۵/۹۶	۶/۶۲	۳/۳۱
	مرد	۵/۳	۵/۹۶	۳/۹۷	۵/۳	۳/۹۷	۵/۳	۷/۲۸	۴/۶۴	۵/۳	۵/۹۶	۵/۳
طول مدت ازدواج		۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	کل	
جنسیت	زن	۳/۹۷	۳/۳۱	۴/۶۴	۲/۶۵	۳/۳۱	۳/۳۱	۲/۶۵	۳/۹۷	۳/۹۷	۲/۹۷	۱۰۰
	مرد	۴/۶۴	۴/۶۴	۴/۶۴	۴/۶۴	۴/۶۴	۳/۳۱	۴/۶۴	۵/۳	۵/۳	۵/۵۳	۱۰۰

در این پژوهش به منظور مقایسه بهتر، شرکت کنندگان بر اساس طول مدت ازدواج به چهار گروه ۵-۱، ۱۰-۶، ۱۵-۱۱ و ۲۰-۱۶ و بر اساس سن ازدواج به سه گروه ۱۹-۱۲، ۳۰-۲۰ و ۴۰-۳۱ تقسیم شدند. تحلیل‌های استنباطی مبتنی بر این تقسیم‌بندی صورت گرفته است.

پرسشنامه سبک‌های حل تعارض^۱ کردک^۲ (CRSI) (۱۹۹۴): این پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) چهار سبک حل تعارض - حل مسئله - به شیوه مثبت، کناره‌گیری، انطباق (سازگاری) و درگیری در تعارض را در دو نسخه گزارش فردی (گزارش پاسخگو در مورد شیوه‌های حل تعارض خود هنگام بروز مجادلات زناشویی) و گزارش شریک زندگی (نظر پاسخگو در مورد شیوه حل تعارض همسر) هر یک شامل ۱۶ گویه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره‌ها در هر سبک حل تعارض بین ۴ تا ۲۰ گزارش می‌شود. ضرایب پایایی برای هر یک از خرده مقیاسها در این پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب یاد شده ۰/۴۶، ۰/۵۳ و ۰/۷۳ محاسبه شد.

مقیاس کیفیت زناشویی فرم بازنگری شده (RDAS)^۳: این مقیاس با ۱۴ گویه توسط باسبی، کران، لارسن و کریستنسن^۴ (۱۹۹۵) با سه خرده مقیاس توافق، رضایت و انسجام زناشویی در ۶ درجه‌ای لیکرت (۰ همیشه اختلاف تا ۵ توافق دائم) ساخته شده است که در مجموع نمره کیفیت زناشویی را نشان می‌دهد. نمره‌های بیشتر نشان‌دهنده ثبات و رضایت زناشویی زیاد است. ضریب پایایی این مقیاس در پژوهش یوسفی (۱۳۹۰) با استفاده از آلفای کرونباخ و روش تصحیف برابر با

1 - Conflict Resolution Styles Inventory

2 - Kurdek

3 - Revised Dyadic Adjustment Scale

4 - Busby, D. M., Crane, D. R., Larson, J. H. & Christensen, C

۰/۹۲ و ۰/۸۹ و روایی همگرایی آن با پرسشنامه رضایت زناشویی لاک و والاس، پرسشنامه ارزیابی همبستگی زوجین و مقیاس سازگاری و توافق دو نفری به ترتیب برابر با ۰/۳۹، ۰/۳۶ و ۰/۳۳ گزارش شده است. ضرایب پایایی خرده مقیاسهای توافق، رضایت و انسجام در این پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۴، ۰/۸۲ و ۰/۷۵ محاسبه شد.

مقیاس تعامل رابطه انجمن نگزاس^۱ (TTRIS): این مقیاس با ۳۶ گویه و ۶ خرده مقیاس در طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از (۶ کاملاً موافقم تا ۱ کاملاً مخالفم) نشاندهنده رفتارهای مهم در رابطه شامل بازشناسی سودمند، نظریات سازنده ایگو، توسعه خاطرات مشترک، فعالیتهای هیجان‌انگیز، بازخورد و گفتگوهای کوتاه است. روایی محتوایی این مقیاس توسط اعضای هیأت علمی و دانشجویان دکتری رشته خانواده درمانی و ازدواج مورد تأیید قرار گرفته است. این مقیاس می‌تواند بین نمونه‌های بالینی و غیر بالینی و بین دو گروه از زوجین با تعارضات زناشویی و بدون تعارض بر اساس مقیاس (DAS) تمایز ایجاد کند (شاموی، ۱۹۹۸). در این پژوهش ضرایب پایایی خرده مقیاسها به ترتیب یادشده با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۱، ۰/۵۳، ۰/۷۸، ۰/۷۲، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ محاسبه گردید.

یافته‌ها

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد شرکت‌کنندگان را بر اساس طول مدت ازدواج در هر یک از متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد.

1 - Texas Tech Relationship Interaction Scale (TTRIS)

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	عوامل متغیرها	M	SD
سبکهای حل تعارض زناشویی (گزارش فردی و گزارش شریک زندگی)	حل مسئله به شیوه سازنده (گزارش فردی)	۱۳/۲۰	۳/۳۳
	حل مسئله به شیوه سازنده (گزارش همسر)	۱۲/۶۳	۳/۳۵
	پرهیز و کناره‌گیری (گزارش فردی)	۸/۹۲	۲/۹۳
	پرهیز و کناره‌گیری (گزارش همسر)	۸/۵۶	۲/۷۷
	انطباق و سازگاری (گزارش فردی)	۱۰/۴۲	۲/۹۸
	انطباق و سازگاری (گزارش همسر)	۹/۸۷	۲/۹۳
	درگیری با مسئله (گزارش فردی)	۵/۲۴	۲/۲۲
	درگیری با مسئله (گزارش همسر)	۵/۱۶	۳/۰۹
کیفیت زناشویی	توافق زناشویی	۲۵/۱۳	۴/۵۳
	رضایت زناشویی	۱۵/۹۶	۳/۳۰
	انسجام زناشویی	۸/۲۹	۳/۴۳
عوامل تعامل در رابطه زناشویی	بازشناسی سودمند	۲۸/۴۶	۴/۹۸
	نظریات سازنده ایگو	۲۶/۲۶	۴/۴۲
	توسعه خاطرات مشترک	۲۷/۹۵	۵/۲۳
	فعالیت‌های هیجان‌انگیز	۲۴/۹۸	۵/۴۳
	بازخورد	۲۵/۱۵	۵/۳۹
	گفتگوهای کوتاه	۲۶/۲۸	۵/۴۰

برای آگاهی از تفاوت در نمره‌های شرکت‌کنندگان بر اساس مدت زمان سپری‌شده از زندگی زناشویی آنها در سبکهای حل تعارض، تعاملات و کیفیت زناشویی از تحلیل عاملی ANOVA و تحلیل روند غیر خطی درجه سه استفاده شده است. از آنجا که تحلیل عاملی، تفاوت معناداری را بین گروه‌ها از حیث متغیرهای پژوهش بر حسب طول مدت ازدواج نشان نداد به دلیل پرهیز از تفصیل نتایج در جدول ۳ تنها متغیرهای معنادار گزارش می‌شود.

جدول ۳: تحلیل واریانس متغیرهای پژوهش بر حسب طول مدت ازدواج

متغیر پژوهش	طول ازدواج	M	SD	روند خطی	غیرخطی درجه سه	Sig.
نظریات سازنده ایگو	۱-۵	۲۷/۵۱	۰/۹۶	۵/۳۶	۳/۸۴	۰/۰۲
	۶-۱۰	۲۵/۷۶	۴/۹۳			
	۱۱-۱۵	۲۵/۷۱	۴/۴۸			
	۱۶-۲۰	۲۵/۸۴	۳/۸۷			
	کل	۲۶/۲۶	۴/۴۲			

همان گونه که از جدول ۳ مشاهده می‌شود اثر طول مدت ازدواج بر عامل نظریات سازنده ایگو از ابعاد تعامل زناشویی هم روند خطی $[F(298,3) = 5/36, P < 0/02]$ و هم روند غیرخطی $[F(298,3) = 3/84, P < 0/02]$ معنادار است. این نشان می‌دهد که میزان قدردانی و ستایش کلامی و غیرکلامی همسران از همدیگر به‌طور خطی در پنج سال اول زندگی افزایش می‌یابد؛ اما پس از سال پنج این افزایش در میزان قدردانی همسران روند کاهشی به خود می‌گیرد. تفاوت بین گروه‌ها در نظریات سازنده ایگو با استفاده از آزمون توکی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: مقایسه‌های چندگانه بر اساس آزمون توکی

طول مدت ازدواج	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	Sig.
۱-۵	۱/۷۴*	۰/۶۵	۰/۰۴
	۱/۷۹	۰/۷۲	۰/۰۶
	۱/۶۷	۰/۷۳	۰/۱۰
۶-۱۰	-۱/۷۴*	۰/۶۵	۰/۰۴
	۰/۰۴۹	۰/۷۱	۱
	-۰/۰۷۳	۰/۷۲	۱
۱۱-۱۵	-۱/۷۹	۰/۷۲	۰/۰۶
	-۰/۰۴۹	۰/۷۱	۱
	-۰/۱۲۲	۰/۷۸	۰/۹۹
۱۶-۲۰	-۱/۶۷	۰/۷۳	۰/۱
	۰/۰۷۳	۰/۷۲	۱
	۰/۱۲۲	۰/۷۸	۰/۹۹

* میانگین‌ها در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۴ نشان می‌دهد که تفاوت معنادار در بُعد نظریات سازنده ایگو (از ابعاد تعاملات زناشویی) بین گروه ۵-۱ و گروه ۱۰-۶ سال است. بر این اساس می‌توان گفت روند خطی و غیرخطی معناداری بین دو گروهی که ۵-۱ سال و ۱۰-۶ سال از ازدواج آنها سپری شده است در بُعد نظریات سازنده ایگو مشاهده می‌شود.

جدول ۵: تحلیل واریانس متغیرهای پژوهش بر حسب سن ازدواج

متغیر	سن ازدواج	N	M	SD	روند خطی	غیرخطی درجه سه	Sig.
درگیری با مسئله (گزارش فردی)	۱۲-۱۹	۴۴	۸/۲۷	۳/۴۷	۵/۷۰	۳/۳۷	۰/۰۳
	۲۰-۲۹	۲۱۵	۶/۹۵	۲/۹۶			
	۳۰-۴۰	۴۱	۶/۹۵	۳/۰۹			
	کل	۳۰۰	۷/۱۵	۳/۰۸			
توافق زناشویی	۱۲-۱۹	۴۴	۲۳/۴۱	۶/۵۲	۲/۳۴	۵/۹۷	۰/۰۱
	۲۰-۲۹	۲۱۶	۲۵/۵۵	۳/۹			
	۳۰-۴۰	۴۱	۲۴/۸۳	۴/۷۱			
	کل	۳۰۱	۲۵/۱۴	۴/۵۳			
رضایت زناشویی	۱۲-۱۹	۴۴	۱۴/۵۰	۴/۲۵	۳/۵۸	۷/۵۶	۰/۰۰۴
	۲۰-۲۹	۲۱۶	۱۶/۳۰	۲/۹			
	۳۰-۴۰	۴۱	۱۵/۷۸	۳/۷۷			
	کل	۳۰۱	۱۵/۹۷	۳/۳			
انسجام زناشویی	۱۲-۱۹	۴۴	۷/۳۲	۳/۶	۱/۰۹	۳/۹۲	۰/۰۸
	۲۰-۲۹	۲۱۶	۸/۵۵	۳/۳۹			
	۳۰-۴۰	۴۱	۸/۰۵	۳/۳۶			
	کل	۳۰۱	۸/۳۰	۳/۴۳			
بازشناسی سودمند	۱۲-۱۹	۴۴	۲۵/۶۴	۴/۷۸	۱۵/۴۰	۳/۴۸	۰/۰۰
	۲۰-۲۹	۲۱۶	۲۸/۸۳	۴/۹۱			
	۳۰-۴۰	۴۱	۲۹/۷۱	۴/۵۱			
	کل	۳۰۱	۲۸/۴۹	۴/۹۷			
نظریات سازنده ایگو	۱۲-۱۹	۴۴	۲۴/۳۶	۵/۲	۸/۶۴	۱/۷۷	۰/۰۰۴
	۲۰-۲۹	۲۱۶	۲۶/۴۸	۴/۲۱			
	۳۰-۴۰	۴۱	۲۷/۱۲	۴/۱۶			
	کل	۳۰۱	۲۶/۲۶	۴/۴۲			

ادامه جدول ۵: تحلیل واریانس متغیرهای پژوهش بر حسب سن ازدواج

متغیر	سن ازدواج	N	M	SD	روند خطی	غیرخطی درجه سه	Sig.
توسعه خاطرات مشترک	۱۲-۱۹	۴۴	۲۵/۴۵	۶/۶۲	۱۲/۰۷	۱/۶۴	۰/۰۰۱
	۲۰-۲۹	۲۱۶	۲۸/۲۱	۴/۹۴			
	۳۰-۴۰	۴۱	۲۹/۲۹	۴/۲۷			
	کل	۳۰۱	۲۷/۹۵	۵/۲۴			
فعالیت‌های هیجان‌انگیز	۱۲-۱۹	۴۴	۲۲/۳۹	۶/۶۳	۸/۲۸	۴/۰۵	۰/۰۰۲
	۲۰-۲۹	۲۱۶	۲۵/۴۰	۵/۲۰			
	۳۰-۴۰	۴۱	۲۵/۶۶	۴/۴۳			
	کل	۳۰۱	۲۴/۹۹	۵/۴۳			

جدول ۵ نشان می‌دهد که اثر سن ازدواج بر عوامل سبک‌های حل تعارض شامل درگیری با مسئله (گ.ف) هم روند خطی $[F(297,2) = 5/70, P < 0/03]$ و هم غیرخطی $[P < 0/03]$ ، ازدواج ۱۲-۱۹ سال زیاد است و در گروه‌های دیگر نمره‌ها کاهش می‌یابد. جدول هم‌چنین نشان می‌دهد روند غیرخطی اثر سن ازدواج بر توافق زناشویی $[F(298,23) = 5/97, P < 0/01]$ ، رضایت زناشویی $[F(298,2) = 7/56, P < 0/004]$ و انسجام زناشویی $[F(298,2) = 3/92, P < 0/08]$ معنادار، و به این معنی است که توافق، رضایت و انسجام زناشویی در سنین ازدواج بین ۱۲-۱۹ سال کم و در سنین ازدواج ۲۰-۲۹ سال افزایش و در سنین ازدواج ۳۰-۴۰ سال با روند ملایمتری کاهش می‌یابد. جدول ۵ نشان می‌دهد که روند خطی اثر سن ازدواج بر بازشناسی سودمند $[F(298,2) = 15/40, P < 0/001]$ ، نظریات سازنده ایگو $[F(298,2) = 8/64, P < 0/004]$ ، توسعه خاطرات مشترک $[F(298,2) = 12/07, P < 0/001]$ ، فعالیت‌های هیجان‌انگیز $[P < 0/002]$ ، $[F(298,2) = 8/28]$ معنادار، و به این معناست که نمره‌های گروه با سن ازدواج ۲۰-۲۹ در ابعاد تعاملات زناشویی یعنی قدردانی کلامی و غیرکلامی همسران از هم، ستایش هویت واقعی هم، به‌اشتراک‌گذاری منظم خاطرات گذشته و درگیر شدن در فعالیت‌های لذت‌بخش بیش از دو گروه با سن ازدواج ۱۲-۱۹ سال و ۳۰-۴۰ سال است. جدول ۶ تفاوت بین گروه‌ها را در متغیرهای یادشده نشان می‌دهد:

جدول ۶: مقایسه‌های چندگانه بر اساس آزمون توکی

متغیر	سن ازدواج		تفاوت میانگین	خطای استاندارد	Sig.
	۱۲-۱۹	۲۰-۳۰			
درگیری در مسئله (گزارش فردی)	۱۲-۱۹	۲۰-۳۰	۱/۰۸*	۰/۳۶	۰/۰۰
		۳۰-۴۰	۱/۱۱	۰/۴۸	۰/۰۵
	۲۰-۳۰	۱۲-۱۹	-۱/۰۸*	۰/۳۶	۰/۰۰
		۳۰-۴۰	۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۹۹
	۳۰-۴۰	۱۲-۱۹	-۱/۱۱	۰/۴۸	۰/۰۵
		۲۰-۳۰	-۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۹۹
توافق زناشویی	۱۲-۱۹	۲۰-۳۰	-۲/۱۲*	۰/۷۴	۰/۰۱
		۳۰-۴۰	-۱/۴۲	۰/۹۷	۰/۳۱
	۲۰-۳۰	۱۲-۱۹	۲/۱۲*	۰/۷۴	۰/۰۱
		۳۰-۴۰	۰/۷۰	۰/۷۶	۰/۶۳
	۳۰-۴۰	۱۲-۱۹	۱/۴۲	۰/۹۷	۰/۳۵
		۲۰-۳۰	-۰/۷۲	۰/۷۶	۰/۶۴
رضایت زناشویی	۱۲-۱۹	۲۰-۳۰	-۱/۸۰*	۰/۵۴	۰
		۳۰-۴۰	-۱/۲۸	۰/۷۱	۰/۲
	۲۰-۳۰	۱۲-۱۹	۱/۸۰*	۰/۵۴	۰/۰۰۳
		۳۰-۴۰	۰/۵۲	۰/۵۵	۰/۶۳
	۳۰-۴۰	۱۲-۱۹	۱/۲۸	۰/۷۱	۰/۱
		۲۰-۳۰	-۰/۵۲	۰/۵۵	۰/۶۳
بازشناسی سودمند	۱۲-۱۹	۲۰-۳۰	-۳/۲۰*	۰/۸۰	۰/۰۰
		۳۰-۴۰	-۴/۰۷*	۱/۰۵	۰/۰۰
	۲۰-۳۰	۱۲-۱۹	۳/۱۹*	۰/۸۰	۰/۰۰
		۳۰-۴۰	-۰/۸۷	۰/۸۲	۰/۵۴
	۳۰-۴۰	۱۲-۱۹	۴/۰۷*	۱/۰۵	۰/۰۰
		۲۰-۳۰	۰/۸۷	۰/۸۲	۰/۵۴
نظریات سازنده ایگو	۱۲-۱۹	۲۰-۳۰	-۲/۱۱*	۰/۷۲	۰/۰۱
		۳۰-۴۰	-۲/۷۵*	۰/۹۵	۰/۰۲
	۲۰-۳۰	۱۲-۱۹	۲/۱۱*	۰/۷۲	۰/۰۱
		۳۰-۴۰	-۰/۶۵	۰/۷۴	۰/۶۷

بررسی تعاملات، سبکهای حل تعارض و کیفیت زناشویی...

ادامه جدول ۶: مقایسه‌های چندگانه بر اساس آزمون توکی

متغیر		تفاوت میانگین	خطای استاندارد	Sig.
نظریات سازنده ایگو	۳۰-۴۰	۲/۷۵*	۰/۹۵	۰/۰۲
	۲۰-۳۰	۰/۶۵	۰/۷۴	۰/۶۷
توسعه خاطرات مشترک	۱۲-۱۹	-۲/۷۵*	۰/۸۵	۰/۰۱
	۳۰-۴۰	-۳/۸۳*	۱/۱۲	۰
	۲۰-۳۰	۲/۷۵*	۰/۸۵	۰/۰۱
	۳۰-۴۰	-۱/۰۸	۰/۸۸	۰/۴۴
	۱۲-۱۹	۳/۸۳*	۱/۱۲	۰
	۲۰-۳۰	۱/۰۸	۰/۸۸	۰/۴۴
فعالتهای هیجان‌انگیز	۱۲-۱۹	-۳/۰۱*	۰/۸۸	۰
	۳۰-۴۰	-۳/۲۷*	۱/۱۶	۰/۰۱
	۲۰-۳۰	۳/۰۱*	۰/۸۸	۰
	۳۰-۴۰	-۰/۲۶	۰/۹۱	۰/۹۵
	۱۲-۱۹	۳/۲۷*	۱/۱۶	۰/۰۱
	۲۰-۳۰	۰/۲۶	۰/۹۱	۰/۹۵

جدول ۶ نشان می‌دهد که روند تغییرات معناداری بین گروه با سن ازدواج بین ۱۲-۱۹ سال با دیگر گروه‌های ازدواج کرده در سنین ۲۰-۳۰ و ۳۰-۴۰ سال در عوامل سبکهای حل تعارض شامل درگیری با مسئله (گ.ف)، توافق زناشویی، رضایت زناشویی، و روند تغییرات معناداری در گروه با سن ازدواج ۲۹-۲۰ نسبت به دو گروه دیگر در ابعاد تعاملات زناشویی شامل بازشناسی سودمند، نظریات سازنده ایگو، توسعه خاطرات مشترک و فعالتهای هیجان‌انگیز مشاهده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

کیفیت روابط زناشویی نتیجه شیوه‌های سازماندهی نظام‌مند زوجین در مثلث سه دیدگاه نسبت به رابطه زناشویی است. فرد متأهل از سه زاویه درونی (درب‌گیرنده تلاشها، انگیزه‌ها و انرژیهای گوناگون فرد با پیشینه‌ای طولانی از تمام تجربیات زندگی وی)، زاویه همسری و زاویه بیرونی به رابطه زناشویی خود می‌نگرد. در بعد رابطه با همسر، وی نیمه دوم شخص، تصور شده و بخشی از

خود پیوسته متوجه همسر است که با وی هماهنگ می‌شود و از وی مراقبت می‌کند. در زندگی زناشویی موفق، زوجین نیازهای عاطفی خود را ارضا شده احساس می‌کنند و هر یک از طرفین زندگی طرف مقابل را غنی تر می‌کند. هر دوی آنها یکدیگر را درک می‌کنند و به همدیگر احترام می‌گذارند. هر یک از طرفین به فکر شادی و رضایت طرف مقابل و افزایش کیفیت زندگی اوست؛ لذا تعاملات زناشویی به عنوان مجموعه‌ای از مبادلات پیامی دیده می‌شود که از طریق آن زوجین به موازات پیگیری مقاصد هویتی (ارائه تصویری مطلوب از خود برای مخاطب یا حفظ احساسی خاص از خود برای دیگری)، بین فردی (با هدف حفظ رابطه) و ابزاری (با هدف برطرف ساختن مسئله‌ای خاص) خود، ماهیت رابطه خود را تعریف می‌کنند و به بحث می‌گذارند. طبق دیدگاه دی‌فرین و آسای¹ (۲۰۰۷) تعاملات سازنده در روابط زناشویی با ویژگیهایی چون قدردانی و مهربانی، تعهد، ارتباطات مثبت، بهزیستی معنوی، گذران اوقات مفرح با یکدیگر و توانایی مدیریت بحران و فشارهای روانی زندگی شناخته می‌شود. پژوهشها نشان می‌دهد عواملی چون مهارتهای ارتباطی و درک متقابل، اظهار نظرهای مثبت به جای اظهار نظرهای منفی، مهارت در حل بحران، اعتماد به همسر، حمایت متقابل، انعطاف‌پذیری، تقسیم عادلانه کارهای خانه، مشارکت عادلانه در تصمیم‌گیریها بر رضایت و انسجام زناشویی تأثیر مثبتی دارد. زوجین با رضایت زناشویی، تعاملات همسر خود را به شیوه‌ای متفاوت از زوجهای ناراضی تعبیر و تفسیر می‌کنند؛ موضوعی که خود موجب بروز توافق بیشتر یا پیدایش مشکلات و کشمکش بیشتری در زوجین گردد؛ لذا نتیجه می‌شود بافت کلی تعاملات همسران از تاریخچه تعاملات همسران و بافت تعاملات کنونی تأثیر می‌پذیرد. رفتار هر یک از همسران، رفتار دیگری را به عنوان بخشی از تعامل دوجانبه تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مجموع رضایت یا عدم رضایت از رابطه را فراهم می‌آورد. رضایت از همسر نیز بافت کلی تعاملات همسر شامل رفتارهای فردی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در راستای پاسخ به پرسش پژوهش مبنی بر چگونگی روند تغییرات در متغیرهای تعاملات، سبکهای حل تعارض و کیفیت زناشویی با آزمونهای آماری صورت گرفته، مشاهده شد که روند خطی و غیر خطی تغییرات این متغیرها بر اساس طول مدت ازدواج معنادار نیست. در این میان، تنها روند خطی متغیر نظریات سازنده ایگو از ابعاد تعامل زناشویی بر حسب طول مدت زناشویی معنادار است. آزمون تعقیبی نشان داد بین گروه‌هایی که ۵-۱ سال از ازدواج آنها گذشته

است در مقایسه با گروه‌های دیگر، نمره‌های بیشتری در این متغیر مشاهده شد. نظریات سازنده ایگو به تمجید و ستودن کلامی و غیرکلامی همسر برای کارهایی که انجام می‌دهد و برای چیزی که هست با ویژگی ابراز احساسات و نشان دادن قدردانی با نشانه‌هایی چون مراقبت از یکدیگر، دوستی، احترام به فردیت، شوخ‌طبعی و بازیگوشی اشاره دارد که با گویه‌هایی چون "به استقبال هم‌رفتن پس از یک روز طولانی، ابراز شادی کلامی و غیرکلامی از دیدن یکدیگر، بوسیدن و در آغوش گرفتن یکدیگر و..." در تعاملات زناشویی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این مقوله که می‌تواند تحت عنوان خودابرازگری (به عنوان عامل مهم صمیمیت) بازتعریف شود، شامل بیان احساسات، نگرشها و تجربه صمیمانه خود نسبت به شریک زندگی است و به اعتماد دوجانبه و ایمنی در رابطه زناشویی منجر می‌گردد. مطالعات نشان داده است که خودابرازگری با رضایت از زندگی زناشویی همسران رابطه مثبتی دارد. نقص در مهارت‌های ارتباطی را از عوامل موجد مشکلات زناشویی ذکر می‌کنند. یافته‌های مطالعه مک‌دانیل و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان داد که ارتباطات بین همسران پیش‌بینی‌کننده خوبی برای رضایت آنها از رابطه زناشویی به شمار می‌رود. رفتارهای معرف نظریات سازنده ایگو با عنوان رفتارهای راهبردی شامل راهبردهایی چون اطمینان، مثبت‌گرایی و گشودگی شناخته‌شده، برانگیزاننده واکنشهای مثبت در همسران می‌شود و معمولاً موجب سرزندگی، شادابی و هیجان و ارتباطات مؤثر و نیز شکوفایی، جذابیت و جالب بودن روابط می‌گردد. برخلاف یافته‌های برخی از مطالعات شاموی (۱۹۹۸) و کاسلو و هم‌رسمیت^۱ (۱۹۹۲)، که قدردانی دوجانبه (نظریات سازنده ایگو) را عوامل اساسی ازدواج‌های رضایت‌بخش طولانی‌مدت قلمداد می‌کنند در این پژوهش، این عامل از تعاملات زناشویی در گروهی بیشتر مشهود بود که بین ۵-۱ سال از ازدواج آنها سپری شده بود، این عامل می‌تواند ناشی از هیجان و شور اوایل زندگی مشترک، توانایی و مهارت زیاد زوجین جوان در خودافشاگری و راحتی بیشتر در بیان عواطف و احساسات زناشویی قلمداد شود. برخی پژوهشها (ونگلیستی و بانسکی، ۱۹۹۳) نشان داده است که بسیاری از زوجین نسل جدید، زمان بیشتری صرف گفتگوهای مربوط به وقایع روزانه می‌کنند. طی این گفتگوها از وقایع، افکار و عواطف تجربه‌شده طی روز صحبت می‌کنند. این امر به آگاهی بیشتر از خواسته‌ها و انتظارات یکدیگر از رابطه زناشویی و در نتیجه صمیمیت بیشتر منجر می‌گردد. یافته‌های مطالعه زیتلو و سیلارس (۱۹۸۸) نیز نشان داد که زوجین با

1 - Kaslow, F. & Hammerschmidt, H.

طول مدت ازدواج بیشتر، ابرازگری عاطفی و خودبیانگری کمتری نسبت به زوجین با طول مدت ازدواجهای کمتر دارند این در حالی است که بسیاری از پژوهشها چون وایت و همکاران (۱۹۸۶) و مظاهری و همکاران (۱۳۸۰) نشان داده است که با افزایش طول مدت ازدواج، تغییرات مثبت مشهودی در کیفیت زناشویی، شیوههای حل تعارض و تعاملات بین زوجین رخ می‌دهد. گذشته از تغییری که این متغیر بر اساس طول مدت ازدواج در گروه ۵-۱ سال نشان داد، بین گروه‌ها از حیث طول مدت سپری شده از ازدواجشان در متغیرهای کیفیت زناشویی، شیوههای حل تعارض و ابعاد تعامل زناشویی تفاوت معناداری مشاهده نشد. اگر چه این نتیجه با یافته‌های پژوهشهای مختلفی (نولر و همکاران، ۱۹۹۴؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ کریستنسن و همکاران، ۱۹۹۵) ناهم‌سوست، نتایج تحقیق موسوی (۲۰۱۲، ۱۳۹۲) با هدف مقایسه صمیمیت و سازگاری زناشویی و کارکردهای خانواده شامل حل مسئله، ارتباط بین زوجین، ایفای نقشها، همراهی و آمیزش عاطفی و کنترل رفتار بین دو نسل از زوجین میانسال و جوان شهر قزوین تفاوت معناداری از این حیث مشاهده نشد. می‌توان علت این ناهم‌سویی را با استناد به نتایج پژوهشهای مشابهی که در مورد خانواده‌های شهر قزوین انجام شد زیاد بودن رضایت زناشویی (موسوی، ۱۳۹۱)، کم بودن میزان بی‌ثباتی زناشویی (موسوی، ۱۳۹۴)، کم بودن میزان طلاق عاطفی (موسوی، ۱۳۹۱)، به سستی بودن بافت خانواده‌های شهر قزوین هم از حیث خوداظهاری و محافظه‌کاری شرکت‌کنندگان در پاسخگویی به پرسش‌های معطوف به زندگی خانوادگی و هم از حیث برخورداری خانواده‌ها از ویژگیهایی چون گستردگی خانواده‌ها و برخورداری خانواده‌های جوان از شبکه حمایتی عاطفی و اجتماعی والدین پس از ازدواج، وجود فرهنگ میانجی‌گری و واسطه‌گری بزرگترها در حل تعارضات زناشویی اشاره کرد. نتایج پژوهش تم و لیم^۱ (۲۰۰۸) نشان داد حمایت اجتماعی ادراک‌شده می‌تواند نقش واسطه‌ای بین حل تعارض و سلامت روان ایفا کند. نتایج مطالعات موسوی (۱۳۹۱، ۱۳۹۴) با اهداف بررسی وضعیت طلاق عاطفی، بی‌ثباتی زناشویی، کارکردهای خانواده، رضایت و صمیمیت زناشویی در خانواده‌های شهر قزوین نشان داد خانواده‌های جوان و میانسال، زنان و مردان متأهل از حیث عملکردهای خانوادگی، صمیمیت و رضایت زناشویی در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارند و احتمال وقوع طلاق در آینده زناشویی آنها در حداقل خود است. از این حیث، می‌توان یافته‌های این پژوهش در مورد عدم تغییرات در عوامل کیفیت

زناشویی چون رضایت، توافق و انسجام زناشویی، ابعاد تعامل و شیوه حل تعارض بین زوجین در همسران با طول مدت ازدواج مختلف (جوان و میانسال) را با یافته‌های مطالعات پیشین در این شهر همسو و همراستا دانست و آن را به فرهنگهای کوچک و دارای بافت سنتی - مذهبی نسبت داد. یافته‌های مطالعه ویلر، آپدگراف و تائر^۱ (۲۰۱۰) در بررسی تطبیقی فرهنگ مکزیک با فرهنگ امریکایی نیز حاکی از نقش متغیرهای فرهنگی بر شیوه‌های رویارویی با تعارضات زناشویی است؛ لذا به نقل از چیونگ و تائو^۲ (۲۰۰۵) عوامل کیفیت ازدواج به عنوان تابعی از ازدواج به طور اجتناب‌ناپذیری به فرهنگ وابسته، و در میان فرهنگها و خرده فرهنگها متفاوت است.

نتایج این پژوهش هم‌چنین نشان داد که روند خطی تغییرات مشاهده شده در متغیرهای توافق زناشویی، انسجام زناشویی و رضایت زناشویی از ابعاد کیفیت زناشویی، درگیری در مسئله از ابعاد سبکهای حل تعارض زناشویی و بازشناسی سودمند، نظریات سازنده ایگو، خاطرات مشترک و فعالیتهای مهیج از ابعاد تعاملات زناشویی بر حسب سن ازدواج معنادارست. این تغییرات معنادار با توجه به متغیرهای مورد مطالعه در سنین مختلف ازدواج متفاوت است؛ بدین ترتیب که ابعاد کیفیت زناشویی، بیشترین میانگین را در گروهی نشان داد که در مقایسه با گروه ازدواج کرده بین سنین ۱۹-۱۲ و ۴۰-۳۱، بین سنین ۳۰-۲۰ سال ازدواج کرده‌اند. ممکن است تفاوت در انگیزه‌هایی که به پایه‌ریزی روابط صمیمی در آغاز بزرگسالی منجر می‌شود با انگیزه‌هایی که به پایه‌ریزی روابط زناشویی در سنین پایین ازدواج مربوط است، علت تغییرات مشهود بین گروه‌های یاد شده باشد. سنین ۳۰-۲۰ سال، سن آماده‌شدن روانی برای ازدواج است؛ سنینی که متوسط افراد جامعه دوران تغییرات اجتماعی از حیث تحصیل و دوران خدمت سربازی، شکل‌گیری هویتی، ثبات اقتصادی را پشت سرگذاشته و آمادگی نسبی برای پذیرش مسئولیت توجه و مراقبت از هویت دیگری و به اشتراک‌گذاری صمیمت با وی را کسب کرده‌اند. یافته‌های گریف و دی‌برونه (۲۰۰۰) نشان داد در ارتباطات معطوف به حل مسئله، زوجین بالغ از عبارات ارزشیابانه و مخالفت‌های کمتری نسبت به زوجین جوانتر استفاده می‌کردند و ظرفیت بیشتری برای حل تعارضات به شیوه مثبت از خود نشان می‌دادند.

در متغیر درگیری در مسئله، گروهی که بین سنین ۱۹-۱۲ سال ازدواج کرده‌اند، نسبت به دو گروه دیگر، نمره‌های بیشتری کسب کرده‌اند. در این سبک حل تعارض، که در قالب رفتارهای

1 - Wheeler, L. A., Updegraff, K. A., & Thayer, S. M.

2 - Chiung, A., & Tao, S.

تهاجمی، تلافی‌جویانه و سلطه‌جویانه نمایش داده می‌شود بر ابعاد منفی افراد و نه ابعاد منفی موقعیت‌ها تمرکز می‌شود؛ دو طرف احساسات یکدیگر را جریحه‌دار می‌کنند و موجب ایجاد فاصله بین خود می‌گردند. سبکهای حل تعارض، که در واقع برگرفته از الگوهای حاکم بر شبکه تعاملاتی بین همسران است در ابعاد تماس/ نزدیکی (درهم‌آمیزی) و دوری/ ناوابستگی (جدایی) قابل تعبیر و تفسیر است. به بیان ریدلی (۱۳۸۴) مفهوم کلی نزدیکی/ فاصله در گونه‌های نزدیکی جنسی، نزدیکی جسمی و غیرکلامی (مهر و عاطفه در تعاملات غیرکلامی چون آغوش گرفتن و بوسیدن و...) نزدیکی عاطفی (توانایی همدلی با احساسات و تجربه‌های زوج) و نزدیکی عملی (مشارکت در وظایف، اطلاع از محل و فعالیت زوج دیگر و نقشه کشیدن و سازمان دادن زندگی مشترک، حمایت از فعالیتهای یکدیگر) محقق می‌شود. افراد برخوردار از سبک درگیری در مسئله در حل تعارضات خود از الگوی فاصله‌دار در تعاملات بهره می‌گیرند و گونه‌های مختلف نزدیکی را در روابط خود یا نشان نمی‌دهند و یا به نظر گاتمن، میزان آن نسبت به رفتارهای منفی و موجد فاصله به قدری بیشتر است که الگوی تعاملی آنها را به زوجین منفصل و دارای روابط ناپایدار نزدیک می‌کند. به نظر می‌رسد افرادی که در سنین ۱۹-۱۲ سالگی ازدواج می‌کنند به‌طور متوسط به دلایل مختلفی چون ناآشنایی با مهارتهای جاذب در روابط زناشویی و یا فقر پیشینه حاکی از تجربه زناشویی مثبت در روابط والدین خود و نیز به دلیل سن کم برای پذیرش هویت دیگری و سهیم شدن در تجربه عاطفی با فرد دیگر (با پیشینه متفاوت هویتی، خانوادگی و...) با خزانه نابسندگی از دانش و مهارتهای لازم برای رابطه موفق، وارد رابطه‌ای می‌شوند که دانشی نسبت به آن ندارند و دچار اغتشاش و سردرگمی در نقشها می‌شوند و در رویارویی با مشکلات تعارضات در روابط با رفتارهای منفی و ناپخته (برخاسته از غرایز و هیجانات) به پاسخدهی اقدام می‌کنند؛ گاه نیز با انتظاراتی نامعقول و فراواقع‌بینانه از ازدواج و رابطه زناشویی به چنین رابطه‌ای تن می‌دهند که با تجربه آن در این سالها قادر به ایجاد تعادل و توازن در رابطه نیستند و عنان زندگی را از دست می‌دهند و در بروز مشکلات به نمایش رفتارهای خودانگیز و تکانشی اقدام می‌کنند. برخی مطالعات نشان می‌دهد که زنانی که بین سنین ۱۴ تا ۱۷ سالگی ازدواج می‌کنند، دو برابر بیشتر از زنانی که بین سنین ۱۸-۱۹ سالگی به ازدواج اقدام می‌کنند در معرض طلاق قرار دارند. همین افراد در مقایسه با زنانی که بین سنین ۲۰ تا ۲۴ سالگی به ازدواج اقدام می‌کنند، سه

برابر بیشتر در معرض طلاق قرار می‌گیرند (اسپینر و گلیک^۱، ۱۹۸۱). نتایج مطالعه عطاری و همکاران (۱۳۸۵) هم چنین نشان داد زنانی که زیر سن بیست سالگی ازدواج کردند، رضایت کمی از زندگی زناشویی خود دارند.

در ابعاد تعاملات زناشویی چون بازشناسی سودمند (ستایش و قدردانی همسران از یکدیگر به انواع مختلف روشهای کلامی و غیر کلامی)، نظریات سازنده ایگو (تمجید و ستودن همسر برای کارهایی که انجام می‌دهد و برای چیزی که هست)، توسعه خاطرات مشترک (یادآوری منظم زمانهای گذشته که با هم به اشتراک گذاشته می‌شود) و فعالیتهای مهیج (درگیری مشترک در فعالیتهای مهیجی که هر کدام از طرفین از آن لذت می‌برند)، گروهی که بین سنین ۴۰-۳۱ سالگی به ازدواج اقدام نموده‌اند، نمره‌های بیشتری کسب نموده‌اند. به نظر می‌رسد این امر با تعبیر و تفسیرهای ذکر شده در سطور پیشین رابطه دارد. افرادی که با هویت‌های شکل گرفته به تشکیل خانواده اقدام می‌کنند از تجربه‌های غنی‌تر و پخته‌تری برای برقراری رابطه صمیمانه و حل مشکلات رابطه‌ای برخوردارند.

از آنجا که امکان مشاهده و ثبت تغییرات متغیرهای مورد مطالعه پژوهش در طول زمان فراهم نبود از روش مقطعی و مقایسه گروه‌های متعدد بر حسب طول مدت ازدواج و سن ازدواج برای مطالعه تغییرات در طول زمان استفاده شد. به نظر می‌رسد با عنایت به بافت سنتی این شهر، که از سوی به برانگیختن احتیاط پاسخگویان در پاسخگویی به سؤالات حاوی اطلاعات خصوصی زندگی زناشویی منجر می‌گردید و فرهنگ سنتی و مذهبی حاکم بر شهرهای کوچک با ویژگیهایی چون باورهای معنوی حاکم بر روابط، گستردگی روابط خویشاوندی و پیوندهای نیرومند خانوادگی، که مقوم روابط زناشویی زوجین تازه ازدواج کرده است و از سوی دیگر تعبیر و تفسیر نتایج را ملازم با احتیاط و تعمیم‌پذیری نتایج را از حیث محیط اجرای پژوهش محدود می‌کند. در تعمیم نتایج آن به جامعه‌ها و نمونه‌های دیگر باید ملاحظات لازم صورت گیرد. از این حیث و با استناد به یافته‌های مربوط به مطالعات مشابه در حوزه خانواده در این شهر، که در سطور پیشین از آنها یاد شد، لزوم حفظ و تقویت بیش از پیش باورها و نگرشهای مقوم پیوندهای زناشویی، آموزش دختران و پسران جوان برای ازدواج در سنین مناسب، آموزش رفتارهای تعاملی مثبت و حل سازنده تعارضات و اختلافات زناشویی برای زوجین تازه ازدواج کرده در فرهنگ

1 - Spiner, G. B & Glick P. C.

شهرهای کوچک توصیه می‌گردد؛ لذا گستره مکانی و زمانی اجرای پژوهش به صورت مقطعی و محدودیت نمونه‌گیری به شکل نمونه‌گیری غیر احتمالی از محدودیت‌های این پژوهش به شمار می‌رود که امید آن می‌رود با محقق‌شدن امکان مطالعه طولی چنین سازه‌هایی در پژوهش‌های بعدی بتوان این کمبود را برطرف کرد.

یادداشت

۱ - اداره کل ثبت احوال استان قزوین. به نشانی <http://www.qazvin-nocr.ir>

منابع

- الیری، دانیل؛ هیمن، ریچارد؛ جانگسما، آرتور (۱۳۸۴). راهنمای گام به گام درمان مشکلات زناشویی. ترجمه سید علی کیمیایی و زهرا باقریان نژاد. تهران: نشر رشد.
- برنشتاین، ف. اچ؛ برنشتاین، م. تی (۱۳۸۹). زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری - ارتباطی. ترجمه حسن پورنایینی و غلامرضا منشی. تهران: انتشارات رشد.
- حسینی‌نسب، سید داوود؛ بدری، رحیم؛ قائمیان اسکویی، آيسان (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبکهای حل تعارض بین‌فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. تحقیقات مدیریت آموزشی. شماره ۲: ۵۷-۷۸.
- رسولی، یوسف و فلاحت، عنایت اله (۱۳۹۲). تأثیر روش فعال حل مسئله بر تعارضات زناشویی در شهر یاسوج. ارمغان دانش. شماره ۱۰: ۸۵۹ تا ۸۶۸.
- ریدلی، مایکل کرو-جین. (۱۳۸۴). زوج درمانی کاربردی. ترجمه اشرف‌السادات موسوی. تهران: نشر مهرکاویا
- عطاری، یوسفعلی؛ مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل فردی - خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان زن اداره‌های دولتی شهر اهواز. مجموعه مقالات دومین کنگره آسیب‌شناسی خانواده. دانشگاه شهید بهشتی.
- فتحی‌اقدام، قربان؛ احدی، حسن؛ جمهری، فرهاد؛ فرخی، نورعلی (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در تعارضات زناشویی و کیفیت زندگی دانشجویان زن. فصلنامه علوم رفتاری. شماره ۹: ۱۱۹-۱۰۱.
- کشاوری‌افشار، حسین؛ اسدی، مسعود؛ جهان‌بخشی، زهرا؛ خاص‌محمدی، مهدی (۱۳۹۰). تأثیر آموزش حل مسئله مبتنی بر نظریه انتخاب بر الگوهای ارتباطی زوج‌ها. فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. ۱۲ (۴۴): ۳۷-۲۹.
- مظاهری، علی‌محمد؛ کیقبادی، فرناز؛ فقیه‌ایمانی، زهره؛ قشنگ، نیره؛ پاتو، مژگان (۱۳۸۰). شیوه‌های حل مسئله و سازگاری زناشویی در زوج‌های نابارور و بارور. فصلنامه باروری و ناباروری. شماره ۸: ۳۲-۲۲.
- موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۲). نقش عملکرد خانواده (مبتنی بر الگوی مک مستر) در پیش‌بینی نگرش‌های صمیمانه و توافق زوجین در خانواده‌های شهر قزوین. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده. شماره ۱۰: ۴۱۰-۴۱۸.

- موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۴). نقش متغیرهای زمینه‌ای در تهدید ثبات ازدواج زنان و مردان متأهل شهر قزوین. فصلنامه فرهنگی تربیتی زن و خانواده. شماره ۲۹: ۱۲۹-۱۱۳.
- موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۱). مقایسه سبکهای هویتی و نگرش به عشق در پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان و مردان متأهل شهر قزوین. پژوهشکده زنان. طرح پژوهشی منتشر نشده.
- یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس کیفیت زناشویی فرم تجدیدنظر شده. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. شماره ۲: ۲۰۰-۱۸۳.

- Ballard-Reisch, D. S., & Weigel, D. J. (1999). Communication processes in marital commitment. In **Handbook of interpersonal commitment and relationship stability** (pp. 407-424). Springer US.
- Bertoni, A., & Bodenmann, G. (2015). Satisfied and Dissatisfied Couples. **European Psychologist**. DOI: <http://dx.doi.org/10.1027/1016-9040/a000015>.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1990). Attributions in marriage: review and critique. **Psychological bulletin**, 107(1), 3.
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. **Journal of Marriage and the Family**, 62, 964-980.
- Buehler, C., Krishnakumar, A., Stone, G., Anthony, C., Pemberton, S., Gerard, J., & Barber, K. (1998). Interparental conflict styles and youth problem behavior: A two-sample replication study. **Journal of Marriage and the Family**, 60, 119-132.
- Carstensen, L. (1992). Social and emotional patterns in adulthood: Support for socio-emotional selectivity theory. **Psychology and Aging**, 7, 331-338.
- Chiung, A., & Tao, S. (2005). Factors in The Marital Relationship in A Changing Society. **International Social Work**, 48(3), 325-340.
- Cook, J. L. & Jones, R. M. (2002). Congruency of Identity Style in Married Couples. **Journal of Family Issues**, 23: 912-926.
- Cummings, E.M. (1998). Children exposed to marital conflict and violence: Conceptual and theoretical directions. In G.W.Holden, R.Geffner, & E.N.Jouriles (Eds.), **Children exposed to marital violence**, Washington, DC: APA.
- Dainton, M., & Stafford, L. (1993). Routine maintenance behaviors: A comparison of relationship type, partner similarity and sex differences. **Journal of Social and Personal Relationships**, 10, 255-271.
- DeFraim, J., & Asay, S. M. (2007). Strong families around the world: An introduction to the family strengths perspective. **Marriage & Family Review**, 41 (1-2), 1-10.
- Eldridge, K. A., & Christensen, A. (2002). Demand-withdraw communication during couple conflict: A review and analysis. **Understanding marriage: Developments in the study of couple interaction**, 289-322.
- Fincham, F., & Beach, S.R. (2007). Forgiveness in marital quality: precursor of consequence in well-established relationships? **The Journal of Positive Psychology**, 2, 260-268.
- Fincham, Frank D. (2003). Marital Conflict: Correlates, Structure, and Context. doi: 10.1111/1467-8721.01215. **Current Directions in Psychological Science**, 12 (1)23-27.
- Frousakis, N. N. (2010). Communication in married couples: Exploring the roles of betrayal and forgiveness, A PhD Dissertation presented in the University of Tennessee, Knoxville.
- Gilford, R. (1986). Marriage in later life. **Generations**, 16-21.
- Gottman, J. (۱۹۹۴). Why marriage succeed or fail: What you can learn from the break through research to make your marriage last. New York: Simon & Schuster.
- Gottman, J. M., & Notarius, C.I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. **Journal of Marriage and Family**, 62 (4), 927-947.

- Greeff, A. P., & de Bruyne, T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. **Journal of Sex and Marital Therapy**, 26, 321 – 334.
- Ha T, Overbeek G, Lichtwarck-Aschoff A, Engels RCME (2013) Do Conflict Resolution and Recovery Predict the Survival of Adolescents' Romantic Relationships? **PLoS ONE**, 8 (4): e61871.
- Hyde, J. S. & DeLamater, J. D. (2008). **Understanding Human Sexuality**. McGraw-Hill Higher Education.
- Kaslow, F., & Hammerschmidt, H. (1992). Long-term "good" marriages: The seemingly essential ingredients. *Journal of Couples Therapy*, 3, 15-38.
- Kurdek, L. A. (1994). Areas of Conflict for Gay, Lesbian, and Heterosexual Couples: What Couples Argue About Influences Relationship Satisfaction. **Journal of Marriage and the Family**, 56:923–934.
- McDaniel, B., Lopez, S. & Holmes, E. (2010). Factors that Affect Marital Satisfaction across the transition to Fatherhood. **Intuition**, 1, ۱۸-۹.
- McGonagle, K. A.; Kessler, R. C.; and Schilling, E. A. (1992). The Frequency and Determinants of Marital Disagreements in a Community Sample. **Journal of Social and Personal Relationships**, 9:507–524.
- Mousavi, S. F. (2012). The Comparison of Family Functioning, Marital Adjustment and Intimacy in Middle aged and Young Spouses. **International Research Journal of Applied and Basic Sciences**, 3 (10): 2015-2021.
- Noller, P., & Fitzpatrick, M. A. (1990). Marital communication in the eighties. **Journal of Marriage and the Family**, 52, 832-843.
- Noller, P., & Fitzpatrick, M.A. (1993). **Communication in family relationships**. Biglewood Cliffs, NJ.: Prentice-Hall.
- Noller, P., Feeney, J.A, Bonnell, D, and Callan, V. J. (1994). A longitudinal study of conflict in early marriage. **Journal of Social and Personal Relationships**, 11:233.52.
- Olson, D., DeFrain, J., & Skogrand, L. (2010). **Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths**. McGraw Hill.
- Schmitt, M., Kliegel, M., & Shapiro, A. (2007). Marital interaction in middle and old age: A predictor of marital satisfaction?. **The International Journal of Aging and Human Development**, 65 (4), 283-300.
- Schneewind, K. A., & Gerhard, A. K. (2002). Relationship personality, conflict resolution, and marital satisfaction in the first 5 years of marriage. **Family Relations**, 51, 63_71.
- Shumway, S. T. (1998). **The Texas Tech Relationship Interaction Scale (TTRIS): development of a relationship interaction measure for couples** (Doctoral dissertation, Texas Tech University).
- Simanski, J. W., (1996). Long-term marriage conflict and longevity strategies over the life span: a qualitative study. **Retrospective Theses and Dissertations**, Paper 11489.
- Spiner, G. B & Glick P. C. (1981). Marital Instability in the United States: Some Corrlates & Resent Changes. **Family Relations**, XXX, 329-38.
- Tam, C. L., & Lim, S. G. (2008). A study of marital conflict on measures of social support and mental health. *Sunway Academic Journal*, 5, 97-110.
- Vangelisti, A.L., and Banski. M.A. (1993). Couples debriefing conversation: The impact of gender, occupation, and demographic characteristics. **Family Relations**, 42: 149-157.
- Weeks., G.R. and Treat, S.R. (2001). **Couples in Treatment: techniques and approaches for effective practice**. (2nd Ed.). Brunner-Routledge. Taylor & Francis Group.USA.
- Wheeler, L. A., Updegraff, K. A., & Thayer, S. M. (2010). Conflict Resolution in Mexican-Origin Couples: Culture, Gender, and Marital Quality. **Journal of Marriage and Family**, 72 (4), 991-1005.
- White, L., Booth, A., & Edwards, J. (1986). Children and marital happiness: Why the negative correlation? **Journal of Family Issues**, 7: 131-147.

- Wilmot, W. W., & Hocker, J. L. (2007). **Interpersonal conflict**. (7th ed.). Boston: McGraw-Hill.
- Zietlow, P. H., and Sillars, A. L. (1988). Life-Stage Differences in Communication During Marital Conflicts. **Journal of Social and Personal Relationships**, 5:223–245.